



Aesthetic Explanation of Shakeleh Verse in Mulla Sadra's Exegetical Works

Sohrab Gholami Dizicheh¹
Mohammad-Reza Sotoodeh-nia²
Mehdi Imam Jome³

Received: 01/06/2021

Accepted: 30/10/2021

DOI: 10.22051/TQH.2021.36395.3239

DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.4.5.2

Abstract

In the present study, with a review of Mulla Sadra's ontological foundations in a descriptive-analytical method, in addition to examining the effect of each of the foundations of transcendent wisdom on the interpretive interpretations of Shakeleh (form) verse, it is aimed to see how could they have been used in Sadra's aesthetic discussions. According to Mulla Sadra, the image of God is beautiful names and attributes, existing in the essence of his existence. The form of creation is the full manifestation of all the names of the divine goodness, which has an eternal origin, and in every moment, a dignity of things and the womb of the original belly of the best of creators appear in the good system. The primary form of man is the God-given nature that man, with the power of intellect and free will and by repeating attributes and habits, forms the secondary form of his existence in the shape of Crimean or ugly attributes, bringing Paradise or Hell for every man according to his worldly and otherworldly situation, and then creates and leads him to the highest or the lowest level. The purpose is to show a part of Sadra's aesthetic interpretation so that the research results can be used in educating the individual and social structure of educators. One of the many uses of research is to explain the issue of criminal justice; In other words, the beautiful form of purgatory and the hereafter is the result of orderly causal actions and good morals in the penetration of worldly forms.

Keywords: *Asmā' al-Husnā, Manifestation, Mulla Sadra's Exegesis, Aesthetics, Shakeleh.*

1. PhD Candidate of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt's Teachings, University of Isfahan, Iran. Email: momenun@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt's Teachings, University of Isfahan, Iran. Email: bayanelm@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Letters and Humanities, University of Isfahan, Iran. Email: m.emami@ltr.ui.ac.ir

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۶

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۹۳-۱۱۵

تبیین زیبایی شناختی آیه شاکله با محوریت آثار تفسیری ملاصدرا

سهراب غلامی دیزیجه^۱

محمد رضا ستوده نیا^۲

مهدی امامی جمعه^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۶

DOI: 10.22051/TQH.2021.36395.3239
DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.4.5.2

چکیده

در جستار حاضر با مروری بر مبانی هستی‌شناختی ملاصدرا به روش توصیفی - تحلیلی، تلاش شده افزون بر بررسی تأثیر هرکدام از مبانی حکمت متعالیه بر برداشت‌های تفسیری آیه شاکله به چگونگی بکارگیری‌شان در مباحث زیبایی‌شناختی صدرایی بپردازد. از منظر ملاصدرا شاکله خداوند اسماء و صفات جمیل است که در حاق ذات وجود اوست. شاکله آفرینش هم، تجلی تام و تمام اسماء حسنی الهی است که سرمنشأ ازلی دارد و در هر آنی شأنی از شئون و بطنی از بطون بدیع احسن الخالقین در نظام احسن، ظهور می‌یابد. شاکله اولیه انسان همان فطرت خدادادی است که انسان با قدرت عقل و اختیار و با تکرار صفات و عادات، شاکله ثانویه وجودی خود را به صورت ملکات کریمه یا کریمه می‌سازد و در نشئه برزخی و اخروی هر ملکه‌ای از نفوس انسانی بهشت و جهنم متناسب با آن را ایجاد می‌کند و او را به سمت اعلی‌علیین یا اسفل سافلین سوق می‌دهد. هدف نگارنده نشان دادن بخشی جزئی از تفسیر زیباشناسانه صدرایی است تا بتوان از نتایج پژوهش در تربیت شاکله فردی و اجتماعی متربیان استفاده نمود. از کاربردهای متعدد پژوهش تبیین بحث عدل جزایی است؛ بدین معنا که شاکله زیبای برزخی و اخروی ثمره مترتب علی اعمال و اخلاق حسنه در رسوخ ملکات شاکله دنیوی است.

کلیدواژه‌ها: اسماء الحسنی، تجلی، تفسیر ملاصدرا، زیبایی‌شناختی، شاکله.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل‌البيت^(ع) دانشگاه اصفهان، ایران. momenun@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البيت^(ع) دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). m.sotudeh@ltr.ui.ac.ir
۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ایران. m.emami@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

زیبایی‌شناسی قدمتی به تاریخچه خداشناسی دارد. در حکمت یونان اولین تدوین‌کنندگان فلسفه که مباحث زیبایی‌شناختی را مطرح کرده‌اند سقراط و افلاطون بوده‌اند. در آثار فیلسوفان اسلامی از فارابی تا ملاصدرا، زیبایی‌شناسی به صورت مستقل تدوین نشده اما به صورت متفرق در بحث اسماء و صفات حق تعالی یا در حدّ یک رساله (ابن‌سینا، ۱۴۰۰، ص ۳۷۳) مطرح شده است. در آثار ملاصدرا هم بحث مستقلی در رابطه با زیبایی‌شناسی و تعریف زیبایی ارائه نشده است اما به دلیل تساوی وجود و زیبایی، زیبایی‌شناسی بنیاد و بنیان حکمت متعالیه است «یک اصل اساسی در حکمت متعالیه عینیتِ مصداقی صفات کمالی از جمله: وجود، زیبایی، علم، حیات است و ملاصدرا تمام احکام وجود را بر صفات کمالی نیز قابل انطباق می‌داند از جمله اصالت وجود یا اصالت زیبایی تشکیک وجود یا تشکیک زیبایی، وحدت وجود یا وحدت زیبایی اینجاست که رابطه فلسفه و زیبایی‌شناسی پدیدار می‌شود» به عبارت دیگر هرگونه بحث از وجودشناسی به نوعی بحث از جمال‌شناسی هم هست (اکبری ۱۳۸۴، ارتباط وجودشناسی و زیبایی‌شناسی در فلسفه ملاصدرا). ملاصدرا در اکثر آثار خود بخصوص جلد هفتم اسفار به مباحث زیبایی‌شناختی از جمله بحث هستی‌شناختی زیبایی، آثار زیبایی و منشأ زیبایی پرداخته است. ملاصدرا به جهت حکم بداهت زیبایی، تعریف به حدّ تام از آن ارائه نداده است اما تعریف وی از زیبایی در اسفار تعریف به رسم است که با تأسی از حکمای مسلمان از جمله فارابی و ابن‌سینا، زیبایی را امری تحسین‌برانگیز می‌داند: «والجمیلُ هُوَ الذی یسْتَحْسِنُ» (صدرا، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۱۲۸) ملاصدرا در مباحث زیبایی‌شناختی به مفهوم زیبایی، انواع و اقسام زیبایی حقیقی و ملاک‌های آن و نیز راه‌های اخذ و ایصال به زیبایی در حکمت متعالیه می‌پردازد (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۷۴). وی به عنوان نظریه‌پرداز زیبایی، در تألیفات خود ملاک‌هایی را از زیبایی ارائه داده که برخی پژوهشگران این ملاک‌ها را در آثار خود دسته‌بندی نموده‌اند. این ملاک‌ها برگرفته از «اسماء الحسنی» است و به دودسته شکلی و محتوایی تقسیم‌بندی شده‌اند و بیش از ۳۰ مورد می‌باشد (امامی جمعه، ۱۳۹۶). تمام این ملاک‌ها به نوعی حدّ رسم زیبایی‌شناختی ملاصدرا است.

بیان مسئله

ملاصدرا با تبیین مبانی حکمت متعالیه و اثبات مساوقت این اصول با اصول زیبایی‌شناختی، تفسیری فلسفی از آیات قرآن کریم ارائه می‌دهد که می‌تواند از جنبه زیبایی‌شناختی بررسی شود.

در این پژوهش به این چند سؤال پاسخ خواهیم داد:

۱- مبانی حکمت ملاصدرا چیست؟

۲- مبانی زیبایی‌شناختی ملاصدرا چیست؟

۳- اصول و مبانی زیبایی‌شناختی صدرا بر تفسیر آیه شاکله چه تأثیراتی داشته است؟

روش تحقیق

آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (الاسراء/۸۴) به آیه شاکله معروف شده است. این پژوهش در یک رویکرد میان‌رشته‌ای با هدف دستیابی به تفسیر زیبایی‌شناختی آیه شاکله و تأثیر اصول و مبانی حکمت صدرایی بر این نوع تفسیر به رشته تحریر درآمده است. با بهره‌گیری از روش تلفیقی، توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوا و استنتاج قیاسی، و با به‌کارگیری منابع کتابخانه‌ای از راه مساوقت وجود و صفات کمالی نتایجی در حیطه زیبایی‌شناختی به‌دست‌آمده است. در روش تحلیل محتوا آیات متناظر با شبکه معنایی «شاکله» تفکیک و به نحو استقراء تام احصاء شده و با مطالعه مکرر و مستمر آیات و تفکر و تأمل در این آیات مضامین کلی استخراج گردیده. سپس گزاره‌های تفسیری در کلی آثار فلسفی و تفسیری و روایی ملاصدرا که به‌نوعی به این آیه و آیات متناظر اشاره دارد، مورد مطالعه قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با آثار تفسیری ملاصدرا و زیبایی‌شناختی حکمت متعالیه به‌صورت موضوعات جداگانه چندین کتاب، پایان‌نامه و مقاله نگاشته شده که بعضاً به رابطه بین حکمت متعالیه و تفسیر ملاصدرا پرداخته‌اند و تا آنجایی که بنده تحقیق نموده‌ام اثر مستقلی در رابطه با تحلیل و بررسی زیبایی‌شناختی آثار تفسیری ملاصدرا نگاشته نشده است. در رابطه با شاکله خداوند پژوهشی مستقل با استناد به آیه شاکله انجام نشده است اما در رابطه با شخصیت انسان با محوریت آیه شاکله تنها کتاب شاکله شناسی دکتر نصرالله حکمت است که به طرح نظریه خود برای شناخت شخصیت انسان پرداخته است. وی با استفاده از مفهوم قرآنی «شاکله» به تبیین هویت انسان پرداخته و معتقد است شاکله‌ها هویت و شخصیت وجودی هر انسانی را می‌سازند. (حکمت، ۱۳۹۶، ص ۴۵)

در رابطه با خود آیه ی شاکله در قرآن هم مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است. از جمله:

- ۱) تبیین رفتار کارآفرینانه در پرتو مفهوم شاکله‌ی دینی (۱۳۹۰ ش).
- ۲) نقش مواجهه مسئله‌محور با آیه شاکله؛ رویکرد روش‌شناختی (۱۳۹۳ ش).
- ۳) دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی شاکله بر اساس رهیافت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (۱۳۹۴ ش).
- ۴) ارزیابی خوب یا بد بودن سرشت و شاکله انسان بر اساس حکمت متعالیه (۱۳۹۵ ش).
- ۵) شاکله نظریه محوری اسلام در خصوص شخصیت (۱۳۹۶ ش).
- ۶) بررسی مسئله شاکله با محوریت سوره «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (۱۳۹۷ ش).
- ۷) سیر تحول معنایی انگاره «شاکله» (۱۳۹۷ ش).
- ۸) چیستی «شخصیت» و مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی آن در حکمت متعالیه ملاصدرا (۱۳۹۹ ش).

ضرورت پژوهش

پیشینه ی یاد شده، ضرورت نیاز به پژوهش شاکله را از منظر زیبایی‌شناختی آشکار می‌کند. وجه تمایز این مقاله از سایر مقالات این است که مقالات مذکور بیشتر جنبه کلی «شاکله» را بررسی کرده‌اند اما مقاله حاضر به‌صورت

موردی تفسیر آیه شاکله را با مبانی زیبایی‌شناختی صدرایی تبیین می‌کند و تأثیرگذاری اقتضایی این ملکات بر شخصیت و هویت افراد ضرورت این پژوهش را آشکار می‌سازد. رویکرد زیبایی‌شناختی آیه شاکله در آثار تفسیری صدرالمتألهین، ره‌آورد این پژوهش است. نقش تثبیت ملکات حسنه در شکل‌گیری شکل شاکله ی زیبای فردی و جمعی متریبان ضرورت بحث را دوچندان می‌کند.

یکی از برجسته‌ترین شاخصه‌های کارآمدی هر مکتب فلسفی ارائه راهکارهایی جهت تبیین نظام حاکم بر عالم است. تبیین نظام احسن بر پایه اسمای حسناى الهی و شاکله حسناى نظام آفرینش از دیگر ضرورت‌های این پژوهش است.

۱. نقش حکمت متعالیه در ساختار شاکله

برای تبیین آیه شاکله در آثار ملاصدرا ناگزیر از تعریف حکمت هستیم چراکه زیبایی‌شناسی آیه شاکله در آثار ملاصدرا منوط به تعریف حکمت است. حکمت، نور ایمانی است که از سوی خدا در قلب القاء می‌شود و سبب روشنی و تصفیه قلب از کدورت نفسانی ظلمانی است (صدر، ۱۳۶۶ش، ج ۴ ص ۳۲۲). هدف اصلی حکمت متعالیه پرورش گوهر وجود و شاکله وجودی انسان است. کارکرد حکمت تبدیل‌شدن انسان به یک جهان عقلی شبیه به جهان عینی خارجی است (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۶، ص ۲۵). اقتداء به خالق در سیاست، مُتخلّق شدن به اخلاق الهی و تشبّه به او در حد طاقت بشری «التشبهُ بِاللّٰهِ بِقَدْرِ الطَّاقَةِ الْبَشَرِيَّةِ» و مظهر صفات حق تعالی شدن است (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۳، ص ۵۱۴).

۱-۱. مفهوم‌شناسی آیه شاکله

اگرچه برخی مفسرین آیه را منحصر در غیر حق تعالی دانسته‌اند و دلایلی نیز آورده‌اند اما برخی دیگر از مفسران خداوند را مدلول این آیه دانسته‌اند (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۵۲). در رابطه با مدلول لفظ «کُلٌّ» در آیه شاکله، اقوال مفسرین را می‌توان به دودسته تقسیم کرد، برخی مفسران مدلول لفظ «کُلٌّ» را به‌تمامی موجودات تعمیم داده‌اند (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳۹۴). ولی برخی دیگر از مفسرین مدلول لفظ «کُلٌّ» را انسان می‌دانند.

۲-۱. آیه شاکله

ملاصدرا در آثار خود لفظ «کُلٌّ» در آیه را به کلّ موجودات تعمیم داده است. همه اشیاء از جماد و نبات و حیوان و انسان همه دارای شأنی از شئون «كُلٌّ يَوْمٌ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹) و حیثیت و مظهر حق هستند. (همان، ج ۴، ص ۴۲) و هر شأنی ابداعی است در جهان آفرینش که «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (البقره/۱۱۷) را متجلّی می‌نماید و بدیع به تمام معنای کلمه نحوی از انحاء وجود را با تشخّص ذاتی دارد (همان، ج ۵، ص ۳۷۵). ملاصدرا این بحث را با نام اتحاد ظاهر و مظهر یاد می‌کند (صدر، ۱۹۸۱ م، ج ۹، ص ۲۴۶) بنابراین آیه، وجود، یک حقیقت واحد است که به نحو تشکیکی در تمامی موجودات عالم با صفات ذاتی و حقیقی جریان دارد، همان گونه که همه موجودات از صِبْغَةِ حُسْنٍ و جمال وجود او بهره‌مندند «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» (البقره/۱۳۸)، (همان، ج ۲، ص ۲۹۸)، (ملاصدرا ۱۳۶۰ش، ص ۳۵).

وی در مورد شاکله موجودات معتقد است که آنها با حرکت جوهری در سیر الی الله بر حسب جبلت ذاتیه ی محب، بر شاکله جمادیت و نباتیت و حیوانیت خود عمل می کنند (صدرا، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰). به عبارت دیگر موجودات جهان هستی شاکله جملیه ای بر حسب خلقت دارند و به سوی زیبایی رهسپارند. «إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرَّجْعِي» (العلق/۸)، (صدرا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۹۴) «وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى» (النجم/۴۲)، (همان، ج ۳، ص ۳۰۷). ملاصدرا در تبیین شاکله خداوند، ذاتی بودن صفت یا فعل خداوند را لحاظ نموده است و در رابطه با شاکله انسان، رسوخ عادت و ملکه شدن عمل را در نظر گرفته است. وی شاکله انسان را به عنوان زیباترین جلوه زیبایی در «احسن تقویم» (التین/۴) (همان، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۵۳) و بالاترین مدرك زیبایی «تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنْ الْحَقِّ» (المائدة/۸۳) معرفی کرده است (همان، ۱۳۶۰، ص ۵۵).

۳-۱. واژه «شاکله»

شاکله از ماده «شکل» به معنای مهار کردن حیوان است؛ از آنجاکه روحيات و سجایا و عادات هر انسانی او را مقید به رویه‌ای می کند، به آن شاکله می گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۶۲) این لفظ فقط یکبار در آیه ۸۴ سوره اسراء آمده و مفسران بر اساس دیدگاه‌های کلامی، عرفانی، فلسفی، تفاسیر متفاوتی را مطرح کرده‌اند. مفسران شاکله را به نیت (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳۹۴) خلقت و طبیعت (ابن قتیبه، بی تا، ص ۳۲۱) شخصیت انسانی (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۲۳۲) خلق و خوی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۹۳) ملکه (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۵۰۰) اخلاق (طوسی، ج ۶، ص ۵۱۵) ناحیه و دین (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۰۴) (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۱۹۰) تفسیر کرده‌اند.

در آثار ملاصدرا شاکله به معانی مختلفی به کار رفته که از جمله به معنای نیت است. وی معتقد است که نیت، شاکله انسان را می سازد (همان، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۴۲۸) خود نیت از اعتقادات انسان ساخته می شود و این نیت است که آدمی را مقید می کند تا عملی را چه مثبت چه منفی انجام دهد. رابطه شاکله و نیت در طول عمر انسان رابطه مستقیم است. بدین صورت که انسان دائماً در حال تغییر نیت است و با تغییر نیت شاکله ی جدید شکل می گیرد (همان، ۱۳۶۳، ب، ص ۵۴۳). در بین موجودات انسان مختار با ملکات حمیده، شاکله‌ای ثانویه بنا می کند که متشخص به زیور فرامین الهی و معرفت و تقوا و عمل صالح است که تشخصی جمیل و منحصر به فرد دارد (صدرا، ۱۳۶۰، ص ۲۲) شاکله ثانویه حقیقتی اکتسابی است که از تکرار ادراکات و اعمال انسان شکل می گیرد (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵، ص ۴۶۱). این شاکله که خود متأثر از دسته‌ای از اعمال انسان است، برای دسته‌ای از اعمال نیز نقش علی دارد؛ گرچه این علیت، به نحو اقتضاء است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۹۴).

شاکله اولیه (فطرت) ← اعتقادات ← نیت اولیه ← شاکله ثانویه ← نیت ثانویه ← شاکله طولی اشتدادی
(نمودار ترتیب علی و معلولی شاکله و اعتقادات و نیات)

نیت ← شاکله
شاکله ← نیت
(نمودار رابطه دوسویه نیت و شاکله)

۲. اصل تساوق وجود و صفات کمالی وجود

ملاصدرا در آثار خود در ضمن بحث‌های فلسفی و تفسیری وجود را متناظر با کمالات وجودی می‌داند (صدرا، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷) (همان، ۱۹۸۱، م ۶، ج ۶، ص ۱۲۴) عینیت ذات و اسماء حسنی و صفات کمال و جمال را با همدیگر می‌پذیرد. (همان، ج ۷، ص ۲۳۲) تناظر وجود با حُسن (صدرا، ۱۳۶۶، ش ج ۶، ص ۵۶) ایجاب می‌کند تا احکامی را که ملاصدرا برای وجود اثبات می‌کند به نحوی برای زیبایی و حُسن در نظر بگیریم. احکام زیبایی که در تفسیر زیبایی‌شناختی آیه شاکله به کار رفته‌اند عبارتند از: اصالت زیبایی، تشکیک زیبایی، اصل سنخیت زیبایی، شمولیت زیبایی، تشخیص زیبایی (اکبری، ۱۳۹۲، ص ۲) که در این نوشتار به تأثیر نقش هر حکم در تفسیر می‌پردازیم.

۲-۱. نقش اصل اصالت زیبایی بر شاکله

از مهم‌ترین مبانی حکمت متعالیه اصل اصالت وجود است. هنگامی که ذهن انسان واقعیت خارجی اشیاء ممکن‌الوجود را تصور می‌کند دو مفهوم از آن انتزاع می‌کند یکی ماهیت و دیگری وجود. این دو حیثیت که از یک موجود انتزاع می‌شوند، در خارج یکی از این دو، تحقق و تأصل داشته و منشأ آثار خارجی است و حیثیت دیگر یعنی ماهیت، امری اعتباری است و تحقق عینی خارجی ندارد. بنا بر اصالت وجود، واقعیت عینی مابازاء مفهوم وجود است و ماهیت بالعرض با وجود تشخیص می‌یابد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، م ۱، ج ۱، ص ۳۹، ج ۹، ص ۱۸۵). اصل اصالت وجود راهگشای بحث زیبایی‌شناختی آیه شاکله مطرح شده است (همان، ۱۳۶۳، ش، الف، ص ۴). وجود مساوق با تمام صفات کمالی از جمله حُسن است که بر مبنای اصالت وجود، تمامی کمالات وجودی اصیل (منشأ اثر) هستند. تساوق وجود و حُسن «کل وجود خیر و حسن و جمال» (همان، ۱۹۸۱، م ۶، ج ۶، ص ۱۱۸) به نحو تقابل متضایفان نمودار واقعیت عینی داشتن زیبایی و حُسن است و همه زیبایی‌های عالم، وجودی عینی و حقیقی دارند و زشتی و قُبْح مابازاء خارجی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۷۳). جهت بررسی برداشت‌های تفسیری زیبایی‌شناختی ملاصدرا در آیه شاکله مهم‌ترین لفظی که معنای زیبایی را می‌رساند، واژه «حُسن» است. ملاصدرا آیه ۷ سوره سجده «أحسن کلَّ شیءٍ خَلَقَهُ» (السجده/۷) را به‌عنوان یکی از غُرر آیات زیبایی‌شناختی بیش از ۴۴ بار استناد یا استشهاد کرده و محور بحث‌های زیباشناسانه خود قرار داده است. بدین معنا که حُسن نه تنها از مفاهیم و ادراکات اعتباری و صرفاً ذهنی نیست بلکه همچون وجود «منبع کُلِّ شَرَف» است.

۲-۲. اصل سنخیت زیبایی

وی بنا بر اصل سنخیت بین علت و معلول، رابطه بین حق تعالی و مخلوقاتش را مشاکلت و مُسانخت دانسته و در تفسیر آیه شاکله بیان کرده که، جهان هستی با تمام مراتب نازله اش عمل خدا و فعل و صنع اوست. «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ» (النمل/۸۸) (صدرا، ۱۳۶۰ش، ص ۸۱، ۸۰) و عمل و فعل خدا نیز مشابه و مُشاکل با اوست. خداوند همان طور که علت موجودات است، علت جمال آنها هم هست و زیبایی مخلوقات با جمال او سنخیت وجودی دارد (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۶، ص ۱۳۴). هر صفت و کمال رقیقه را که معلول دارد، علت، حقیقت آن را خواهد داشت؛ زیرا مُعطی کمال، فاقد آن کمال نخواهد بود، و هر حقیقت کمالی را که علت دارد، معلول به میزان شمول وجودی، رقیقت آن را خواهد داشت؛ پس واجب الوجود بالذات از فرط فعلیت و کمال تحصل در نهایت درجات و مراتب کمالیه وجود و جامع جمیع نشآت وجود است (همان، ج ۱، ص ۲۷۲). بنابراین شاکله حق تعالی مرتبه حقیقت زیبایی است و شاکله مخلوقات مرتبه رقیقت این جمال است (همان، ج ۸، ص ۲۰۶). بنا بر اصل تشخّص هر زیبایی یک امر منحصر به فرد و بدیع است و شاکله حق تعالی به مثابه بدیع السموات و الارض در هر آنی شأنی از شئون حُسن را ابداع می نماید. در سلسله نزولی، تدبیر امر از آسمان به زمین به واسطه نور جمال الهی است (يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ)، (صدرا، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ص ۳۳۸) و در سلسله طولی صعودی «کلم طیب» در زیباترین وجه به سوی او بالا می رود (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ)، (فاطر/۱۰) (همان، ۱۳۶۳ش، ب، ص ۱۷۶). پس در کل عالم هستی هیچ موجودی از عالم غیب تا عالم شهود نیست، جز اینکه حقیقت و اصل آن در حاقّ ذات او موجود است. وجود او علّت و مخلوقاتش، معالیل مشابه و مشاکل او هستند؛ زیرا وجود معلول، سایه ای «كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ» (الفرقان/۴۵) از ذات خداوند است (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۷، ص ۴۹). کمال و جمال دنیوی سایه ای از کمال و جمال عالم مثال و عالم مثال سایه و جلوه عالم عقلی است و عالم عقلی در واقع سایه و جلوه نامتناهی حق تعالی است (صدرا، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۲). وی «ظلّ ممدود» (الواقعه/۳۰) را به نزول رحمت الهی تفسیر کرده و به استناد آیه ۴۵ سوره فرقان مخلوقات را، عکس نور وجود حق تعالی دانسته و در این ظلیّت و مرآتیت و آیت هم مراتبی از قرب و بُعد قائل شده است (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۱۱۸).

شاکله خداوند «اسماء الحسنی» است و بر اساس آن تجلّی می کند. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (طه/۸) همه اسماء موصوف به صفت حُسن می شوند (الحُسنى) حقیقت ذاتش چون مطلق است، همه ی حقایق و کمالات به نحو اکمل عین ذات او هستند. (همان، ۱۳۵۴ش، ص ۵۴) صفات ذاتی حق تعالی ایجاب می کند که فعل او مقتضای عملش باشد از جمله: «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (الانعام/۱۲) که هم رحمت در حاقّ ذات حق تعالی ملحوظ است و هم در مقام فعل؛ لذا کل عوالم هستی بر اساس شاکله ی رحمت و اسعه الهی در حرکت و خروش است و هر جوش و خروشی یک نوع از حُسن بدیع است. (همان، ۱۳۶۳ش الف، ص ۷۱) مکتوبیت و وسعت رحمت «رَحِمَتْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف/۱۵۶) فعل مداوم را ایجاب می کند و فعل او نیز عین حُسن است. شاکله خداوند «احسن الخالقین» (مؤمنون/۱۴) است که آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده/۹) معلول این شاکله است. در این آیه خلقت ملازم با حُسن معرفی شده است.

با تأمل در این دسته آیات و آیات متناظر حُسن و زیبایی می‌توان به این نکته پی برد که ملاصدرا در تفسیر آیه شاکله تأکید می‌کند که قرآن به شاکله سازی بر محور حُسن در وسعت وجودی مخاطبان خود به میزان وسع مکلفان اهتمام تام دارد. به عنوان مثال دعوت قرآن به احسان برای شاکله سازی محسنین است. در واژه «محسنین» که اسم فاعل احسان است، ثبوت و رسوخ حُسن را می‌رساند در صورتی که فعل‌های «أَحْسِنُ» (القصص/۷۷) «أَحْسِنُوا» (البقره/۱۹۵) برای حدوث حُسن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۷۴) پس تمام دعوت‌ها به ایمان، عمل صالح، تقوا و دیگر کمالات برای ملکه شدن و رسوخ این صفات است تا انسان به درجه مؤمنین، صالحین، متقین و سایر اوصاف و مقامات قرآنی برسد که هرکدام از این صفات هم خودش مراتب و درجات دارد (صدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۱۹). ملاصدرا خداوند را حقیقت مطلق می‌داند که اصل وجود هر موجودی است (همان، ۱۹۸۱ م ج ۹، ص ۱۲۲) وی معتقد است چنانچه صفتی به نحو اتم و اکمل و حتی در حد ضرورت در شخصی باشد و یا اینکه مانند حق تعالی ذاتی وجودش باشد به نحو علی و معلولی نیز عمل و فعل از این شخص مورد انتظار است.

مُشاکلت و مُسانخت وجودی خالق و مخلوقات را در آیه شاکله هم از برهان لمّی و هم از برهان اُنّی می‌توان اثبات نمود. در برهان لمّی در قوس نزولی از طریق اسماء حسناى الهی (علت) کمال حُسن و زیبایی حق محور قرار می‌گیرد و اثبات می‌شود که مخلوقات و معلولات این ذات همگی به میزان احاطه وجودی «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (القمر/۴۹) دارای حُسن و زیبایی می‌باشند (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۶، ص ۵۳) شاکله ذات خداوند را مُحسن و مُحَبّ و جمیل مطرح می‌کند (صدرا، ۱۳۵۴ش، ص ۱۵۱) در برهان اُنّی در قوس صعودی ابتدا حُسن در مخلوقات محور قرار می‌گیرد و بر علّت و سبب این زیبایی و حُسن که همان اسماء حُسنی است؛ اقامه ی برهان می‌شود. در جا جای قرآن از این دو برهان به کرات استفاده شده است. ملاصدرا در آثار خود اصل سنخیت وجودی را بارها بین عمل و علّت آن در تجسم نیات که همان تجسم شاکله انسان است بکار می‌برد و به آیات، روایات و اصولی که دلالت بر سنخیت می‌کند اشاره دارد از جمله: آیه «وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا» (البقره/۱۴۸)، (صدرا، ۱۳۶۳ش، ب، ص ۷۴۶) روایت «كُلُّ مُيَسَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ» (همان، ۱۳۶۰ش، ص ۷۷). «فعل كل فاعل مناسب لطبیعت» (همان، ۱۳۸۷ش، ص ۳۱۹). «مُعطى الشیء لیس فاقد له» (همان، ۱۴۱۷ق، ص ۶۰۴). «الظاهر عنوان الباطن» (صدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۳۸۶) «سنخیت وجودی حقیقت و رقیقت» (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۸، ص ۲۰۶). وی حتی این ضرب المثل عربی را به عنوان تمثیل می‌آورد «كل إناء إنما يترشح بما فيه» (همان، ۱۳۶۳ش، ب، ص ۵۴۳).

۲-۳. اصل تشکیک زیبایی در تبیین شاکله حق تعالی

بر مبنای تشکیک خاصی وجود حقایق متکثر و متعدد از فقیر و غنی (صدرا، ۱۳۶۲، ص ۱۴۷)، کامل و ناقص، شدید و ضعیف از نظر وجود بما هو وجود دارای یک حقیقت‌اند و اختلاف وجود به خود وجود است. به عبارت دیگر مابه‌الامتياز همان مابه‌الاشتراک است. ملاصدرا با صورت‌بندی فلسفی تشکیک وجود بر عرفان و برهانی کردن آن، وجود را دارای شئون، مظاهر و منازل دانسته که حکایت از شاکله ی حُسنِ ذوشان، مظهر و منزل

دارد. با تساوق وجود و زیبایی می‌توان زیبایی را هم قابل اشتداد دانست؛ وی بر اساس تشکیک وجود مراتب تشکیکی برای اسماء حسنی نیز در نظر می‌گیرد (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۶، ص ۱۲۴). شاکله حق تعالی در حاق و حقیقت شئونات در کسوت «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹) (همان، ج ۷، ص ۲۸۴) متجلی به مجالی جمال (صدرا، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۳۶) و ظاهر در مظاهر جمال است (صدرا، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۱۰) «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» (الحدید/۳)، (همان، ایفاظ النائمین، ص ۱۸). از منظر وی «خلق» همان سلسله تجلی جمال وجودی دائم و مستمر در مشاهد و مرائی مخلوقات است. حق تعالی در هر آنی به صورت های متکثر، طلعت به حُسن می‌کند. لُمعات و اشراقات نور ذات حق تعالی «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (النور/۳۵) در غایت جمال و زیبایی هستند (همان، الحاشیه، ص ۱۵۶). وی در تفسیر آیه شاکله خداوند را در بالاترین مرتبه زیبایی و همه موجودات عالم را جلوه‌های ذات خداوند و پرتوها و رشحات انوار صفات حق می‌داند؛ بنابراین آنها هم در حد رتبه‌ای که در نظام هستی دارند، از حُسن و زیبایی برخوردارند (همان، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۱۵۴).

در کاربرد این مبنا از مبانی صدرایی در بحث تفسیر زیبایی شناختی آیه شاکله می‌توان به تمامی آیاتی متناظری اشاره نمود که وی این مفاهیم وجودی را قابل تشکیک می‌داند همچون علم، حُسن، رحمت، حیات (لاهیجی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۲۸) به‌عنوان نمونه ملاصدرا از راه مساوقت علم و وجود از یک سو (صدرا، ۱۴۲۰ ق، ص ۷۰)، (همان، ۱۳۶۳ ش، ب، ص ۲۶۲) و تساوق زیبایی و وجود از طرف دیگر، جمیع موجودات دارای علم را، مُلتبس به حُسن می‌داند. صدر المتألهین در بحث مصادیق اوالعلم در آیه ۱۸ آل عمران «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ...» (آل عمران/۱۸) مصادیق عالم در «اولوا العلم» را بنا بر تشکیک وجود، تمامی موجودات من حیث الوجود می‌داند (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۱۳۷)، (همان، ۱۳۶۳ ش، ب، ص ۲۶۱). «علم» در بالاترین رتبه، عین خود حق تعالی است و از صفات ذات اوست و سپس در مرتبه نازله مصادیق «اولوا العلم» راسخین در علم همان اهل بیت^(ع) هستند که ملاصدرا در آثار خود بارها از آنان تمجید می‌کند (همان، ص ۸۱) در مرتبه رقیقه وجود مصادیق «اولوا العلم» به موجودات مادی می‌رسد که نسبت به رتبه وجودی خودشان از نوعی علم و شعور رقیقه بهره مند هستند. تمام موجودات در مراتب هستی به میزان سعه ی وجودی، عالم هستند و با این زیور و زینت علم، ساجد، مقدس، مسلمان، مسیح و مطیع اند (صدرا، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۱۵۴)، (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۵، ص ۳۴۹).

بنابراین در تفسیر آیاتی که «سجود، تقدیس، تسلیم، تسبیح و اطاعت» مطرح شده ملاصدرا بر اساس مثلث مبانی حکمت متعالیه (عرفان، برهان، قرآن) برای همه موجودات بر اساس رتبه و سعه ی وجودی، شاکله‌ای مشحون و معجون به علم و ادراک و حیات اثبات می‌کند و به آیاتی از جمله: «تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ» (یس/۶۵) و «وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا» (فصلت/۲۱) استشهاد می‌کند (همان، ۱۳۶۶ ش، ج ۷، ص ۴۲۹). وی در تفسیر خود، شاکله ذاتی حق تعالی را که در غایت حُسن است «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى» (الروم/۲۷) عِلَّتْ هَمَّتْ عارفان برای صلوه و تسبیح و تحمید می‌داند (همان، ج ۱، ص ۱۵۴). بنابراین در بین موجودات شاکله انسان با زینت عقل و اختیار در هر دمی آناً فاناً به صورت لُبس علی اللبس به شاکله‌ای مزین‌تر تزیین می‌شود و وجود زیبایی بر زیبایی وجودش اشتداد می‌یابد «نور علی نور» (النور/۳۵)، (صدرا، ۱۹۸۱ م، ج ۲، ص ۴۴) و یا با همان

عقل و اختیار خُبتی بر خبائث شاکله‌اش مضاعف و متراکم می‌کند و شاکله‌ای بر اساس خبائث بنا می‌کند (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۸۶) کَلَّا بَلْ رَانَ عَلٰی قُلُوبِهِم (المطففین/۱۴)، (همان، ج ۵، ص ۳۰۶).

۳. نقش تشکیک زیبایی در تبیین شاکله انسان

ملاصدرا در بحث شاکله انسان با استناد به اصالت وجود و تشکیک وجود، مراحل و مراتبی برای نفس انسان در نظر گرفته که دارای شدت و ضعف بوده و مطابق عوالم وجودی از معقول و خیال و محسوس است. ملاصدرا در تفسیر آیه شاکله از بحث‌های انسان‌شناسی صدرایی بهره فراوان برده است. وی در انسان‌شناسی سیر استکمال وجودی انسان را در گذر از مرتبه حس به معقول می‌داند و هر مرتبه را فعل و اثر حق تعالی دانسته که قوام زیبایی‌شان به اوست (صدرا، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۲۶۹).

وی در نمونه دیگر آیات «ماء» را در آیه ی شریفه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (الانبیاء/۳۰) به «رحمت» الهی تأویل می‌کند (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۴۹۷). این شاکله رحمانیت در تمام موجودات عالم ساری و جاری است. از منظر وی وجود عین رحمت است، «لأنَّ الوجود عین الرحمة الشاملة للجميع» (همان، ص ۷۰) و رحمت متلازم ذاتی حُسن است؛ لذا جمیع موجودات بنا بر شدت و ضعف وجودی از عالی تا دانی مستفیض به شاکله‌ای از رحمت حق تعالی شده‌اند «وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةٌ وَعِلْمًا» (غافر/۷) و بنابر قُسحتِ وجودی بهره و حظی از جمال جمیل ذات الهی دارند (صدرا، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۱۱۷). وی شاکله مقرون به انوار رحمت پروردگار را مقدمه ای برای اشتیاق مشاهده حُسن و جمال خداوند می‌داند (همان، ۱۳۶۳ب، ص ۲۹۳).

۴. نقش تشکیک در شاکله نظام احسن

ملاصدرا در آثار خود در بحث زیبایی‌شناختی آیه شاکله از اسماء حُسنای الهی برای تبیین زیبایی‌شناختی شاکله نظام احسن کمال استفاده را می‌برد. نظام احسن بودن جهان آفرینش به این معنا است که نظام حاکم بر آفرینش نیکوترین نظام است و زشتی و سستی و خلل در آن راه ندارد. «هَلْ تَرَى مِنْ قُطُورٍ» (الملک/۳)، (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۱۰، ص ۳۳۴). اگرچه ملاصدرا بر اساس آیه «قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (النساء/۷۸) خیر و شر هر دو را از جانب خدا می‌داند، اما وی معتقد است شر از فعل او سرچشمه می‌گیرد نه از ذات او (صدرا، ۱۳۶۳ب، ص ۲۹۷) ملاصدرا با استفاده از عبارت «فالخیر مرضی و الشرُّ مقتضی» که بارها در آثار خود به مناسبت بحث «شُرور» با عناوین مختلفی تکرار کرده؛ معتقد است که «خیر» که مُساوقِ وجود و حُسن است؛ از منظر وجودشناسانه اولاً و بالذات مرضی حق تعالی است (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۲۳۲). و حق تعالی خودش عین خیر و حُسن است اما با تنزل و صدور «خیر» محدودیت به مقتضای حدّ وجودی پدید می‌آید که این محدودیت وجودی همان شر نامیده می‌شود (همان، ج ۱، ص ۵۴). بنابراین منبع شُرور، قُصور از جمال اعظم است «و الشرور منبعها قصورات الآنیات و نقصانات الوجود عن الكمال الأتم و الجمال الأعظم» (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۳۴۲). اقتضای ذاتی عالم طبیعت یا مادی تضاد و تصادم است و لازمه آن شرور نوع دوم است که سبب سلب حیات یا سلامتی شده (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۰) و مانع وصول موجود مادی به کمال مطلوبش می‌شود. اراده حکیمانه خداوند از

آفرینش نظام احسن ظهور تمامی اسماء الحسنی در بعد خلیفه الهی انسان در عالم طبیعت است و والاترین ظهور این حُسن و خیر عظمی با عبودیت آگاهانه و عاشقانه خلیفه مختار حق تعالی میسر می‌شود «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف/۱۸۰). بارت «فَادْعُوهُ بِهَا» اشعار دارد به دعوت برای تخلُّق و مظهریت تام اسماء حسنی الهی و تحقق این امر در عالم تضاد و تصادم با آگاهی و قدرت اختیار و اراده می‌تواند به منصف ظهور برسد و اینجاست که خیر مقتضی بالذات و شرور مقتضی بالعرض می‌شود (صدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۳۰). ملاصدرا با استشهاد به آیه «وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (الحجر/۲۱) نظام احسن را رقیقه علم ذاتی حق تعالی دانسته و عالم عقل، مثال و ماده را عوالم طولی مترتب بر مبنای علیت می‌داند (همان، ج ۶، ص ۳۵۵).

علم بالعنایه مبدأ پیدایش نظام احسن است (همان، ج ۱، ص ۵۰۹). علم عنایی بدین معناست که نقشه نظام وجود و مراتب هستی، در مقام ذات ربوبی مقرر است به نحوی که هیچ وجود و فعلیت و معنا و مفهومی، از آن خارج نیست و هیچ فعلیتی ماورای آن متصور نمی‌باشد (آشتیانی، ۱۳۸۱، ص ۴۵۹). اصل نظام احسن هم بر پایه تطابق عوالم است؛ عالم بالا مرتبه اشرف و اعلائی حقیقت وجود است و عوالم پایین در عین غیریت وجودی بنا بر عین الربط بودن، مرتبه رقیقه عالم بالاست (صدرا، ۱۹۸۱ م، ج ۴، ص ۱۵۷). به دلیل صرافت وجود، بساطت وجود و تشکیک وجود همه عوالم به نوعی یک حقیقت دارند و بدون تجافی تجلی و تنزل می‌یابند. بر این اساس شاکله عوالم هستی از مرتبه حقیقه تا مرتبه رقیقه (همان، ج ۸، ص ۲۰۶) و از مرتبه اجمال تا تفصیل همه مراتبی از اسماء حسنی الهی سراسر خیر و حُسن است (همان، ج ۷، ص ۳۲). شاکله احسن الخالقین ایجاب می‌کند که نظام احسن بر پایه احسن مخلوقات شکل بگیرد و در نتیجه تمامی مخلوقات آیینه جمال فعل حق باشند. وی شاکله نظام احسن را مجلای اسماء حسنی حق تعالی می‌داند (صدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۵)، (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۷، ص ۲۸۴).

۵. نقش اصل حُبّ در شاکله

ملاصدرا بر اساس نظریه وحدت وجود و به استناد به آیه ۵۴ مائده «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (المائده/۵۴) تجلی خداوند در کائنات را حُبّ و عشق حق تعالی به مخلوقات می‌داند و حُبّ و دوستی مخلوقات به حق همان بازتاب حُبّ خدا به تجلی است (همان، ج ۵، ص ۳۳۶) بنابراین شاکله خداوند در این آیه شاکله مُحَبّ و محبوب معرفی شده است. محبت ذاتی خداوند به خود علت اصلی آفرینش است. پیوستگی هستی‌شناسانه و ملازمه وجودی بین عشق و زیبایی و وجود (امامی جمعه، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵) این نکته را یادآوری می‌کند که هر موجودی به میزان حیطه وجودی‌اش عشق و حُبّی از محبوب در وجودش عجین شده است. «وَلِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّئُهَا» (البقره/۱۴۸)، (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴-۳، ص ۳۴۷) تجلی حسن الهی حُبّ الهی را بدنبال دارد و به عبارت دیگر حُبّ و عشق نتیجه و زاییده ی زیبایی است (افراسیاب پور، ۱۳۸۷). پس عمل مستمر خداوند بر اساس شاکله اش حُبّ و عشق است و عمل انسان بر اساس شاکله خود حُبّ و عشق به پروردگار است (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱). ملاصدرا پس از اثبات مساوت حسن و جمال با عشق و محبت، ضمن اینکه شاکله خداوند را عاشق و معشوق لذاته معرفی

می نماید احاطه حق تعالی را بر کل موجودات احاطه حبی می‌داند که همان محبت و عشق به بندگان است (سروریان، ۱۳۸۷ش). شاکله ی عشق و محبت هر موجودی بر حسب مراتب وجودی بر موجودات دیگر سریان طولی دارد «فبالحقیقة هناك عشق واحد متصل ذو مراتب بعضها محیط بالبعض و الله من ورائهم محیط» (صدرا، ۱۹۸۱م، ج ۷، ص ۱۵۷، ۱۵۱، ج ۵، ص ۳۵۰).

ملاصدرا با استشهاد به آیه ۸۸ قصص، شاکله ذات حق را اصل و حقیقت وجود در موجود و ما سوی الله را شئون و حیثیات حق می‌داند که در لسان قرآن به وجه حق تعالی تفسیر شده است «و کُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (القصص/۸۸)، (همان، ۱۳۶۰ش، ص ۳۷). وی بنابر مضمون آیه شریفه ۱۱۵ بقره «فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَثُمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره/۱۱۵). شاکله خداوند را در تمام اشیاء به وجود آنها بدون تقييد و تطبيق فرقه مشبّهه و خارج از تمام اشیاء بدون مزایله فرقه منزّهه می‌داند «و هو معکم أينما کنتم» (الحديد/۴)، (همان ۱۹۸۱م، ج ۷، ص ۳۳۲، ۳۳۱، ج ۶، ۳۷۳). تجلیات حق تعالی را دائمی و مستمر دانسته «واسع علیم» و وسعت این تجلی را نامتناهی می‌داند (همان ۱۳۶۶ش، ج ۳، ص ۱۵۵) از منظر ملاصدرا شاکله حق تعالی و نظام هستی یکی است و هر چه وجود دارد هم اوست. حق با تمامی تجلیات و ظهوراتش در جهان ظهور دارد و جهان نیز با تمام موجودات و مشهوداتش، مجلا و مرآت و مظهر اوست (همان، ج ۶، ص ۱۱۸). شاکله عالم بمثابه تجلی اسماء «الخالق»، «المُصور» (الحشر/۲۴) و البديع (الانعام/۱۰۱) است و شاکله آدمی بمثابه آیینه ی مثلث ذات و صفت و فعل حق تعالی است. پس شاکله عالم و آدم بر زیبایی شکل گرفته و انسان خودش خالق و مصور و مبدع به حدّ طاقت بشری است (همان، ج ۲، ص ۳۵۸)، (صدرا، ۱۳۶۰ش، ص ۲۲۴). «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (الاعراف/ ۱۸۰)، (همان، ۱۹۸۱م، ج ۷، ص ۳۲).

از دیدگاه ملاصدرا شاکله زیبای هر موجودی اسمی خاص از اسماء و صفتی از صفات زیبای الهی را اظهار می‌نماید (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۳۹۱). شاکله آدمی در میان تمامی موجودات، تجلی کامل خداوند است و از این رو می‌تواند با اختیار کردن سبک زیبایی از زندگی قرآنی با اعتصام و تمسک به کلمات تامات الهی (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۴۰۳) به کمال رسیده و صفات الهی را در خود متحقق سازد. تحقق شاکله تمام و کمال انسانی در صیورت وجودی در وجه «انسان کامل» در وجود با برکت سراج منیر «و دَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» (الاحزاب/۴۶) پیامبر اکرم^(ص) رخ داده است که به «ظِلِّ ممدود» (الواقعه/۳۰)، (همان، ۱۳۶۳ب، ص ۷۶۷) ظلّ الله (همان، ۱۳۶۰ش، ص ۷۰۲) هم تعبیر شده است و از همین جهت شاکله وجودی «رحمه للعالمین» (الانبیاء/۱۰۷) «اسوه حسنه» (الاحزاب/۲۱) برای «امت وسط» است و سپس در صورت زیبای اهل بیت^(ع) مظهر ایشان که به کلمات تامات الهی و حجج الله موصوف شده‌اند (صدرا، ۱۳۶۳ب، ص ۶۲۶) و از هر رجسی تطهیر یافته‌اند «و يَطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا» (الاحزاب/۳۳). در این سیر وجودی مصداق اتم و اکمل شاکله خلیفه الهی انسان در حقیقت نور واحد پیامبر اکرم^(ص) و اهل بیت^(ع) ایشان به منصف ظهور رسیده است و وجوب اطاعت و تمسک به این الگوی نور واحد در فرایند تکمیل شاکله وجودی انسان به کرات در آثار ملاصدرا مشهود است. از دید ملاصدرا نفس ناطقه ای خلیفه الله می‌شود که مظهر تفصیل و ظهور جمیع اسماء حسنی و صفات جمیل حق شود (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۹).

۶. شاکله مبتهج و مسرور و مرضی و ملتذذ

ملاصدرا شاکله حق تعالی را زیبای مطلق معرفی کرده است (همان، ۱۳۵۴، ص ۱۵۶). بالاترین مسرور کننده، سرور بخش ترین و برترین مسرورین را حق تعالی می‌داند (همان، ۱۴۱۷، ص ۱۴۵). اثرات حُسن و جمال در هر وجه، شاکله‌ای مبتهج، مسرور، مرضی و ملتذذ می‌آفریند. مشاهده و درک حُسن و جمال باعث ابتهاج می‌گردد (همان، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۴۹)، (همان، ۱۳۶۰، ص ۲۲۴). وافرترین درجه ابتهاج در شاکله مبتهج فرشتگان به میزان عبودیت است و در مقامات و منازل و طبقات بهشتیان همچو فرشتگان ابتهاجی به وسعت حُسن است (همان، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۶۳).

۷. نقش اصل تجلی ملاصدرا در شاکله

اصل تجلی که همان تنزل بدون تجافی است (آشتیانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۲). از اصول برگرفته حکمت صدرایی از عرفان اسلامی است. ملاصدرا در تشکیک تجلی مراتب و درجاتی را مطرح می‌کند که از ملکوت تا ناسوت سریان دارد «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ» (غافر/۱۵)، (لاهیجی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸). اولین تجلی در ذات با اسماء و صفات جمال آغاز و با تجلی در طبیعت ناسوتی خاتمه می‌یابد (صدرا، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۲۸). خداوند که تمام کمالات را به نحو تام و تمام دارد؛ در هر عالمی از عوالم وجودی که تجلی نماید، همان اسماء حسنی را به مراتب شدت و ضعف، متجلای حُسن می‌نماید «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» (الحجر/۲۱)، (همان، ۱۳۶۰، ص ۴۷) بر اساس وحدت صمدی وجود (صدرا، ۱۹۸۱، ج ۴، ص ۱۱۳) شاکله جهان حدوثا و بقاءً، در سیر حرکت جوهری شأنی از شئون خداوند را به حسب اسماء حُسنی تجلی می‌سازد «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» (المائدة/۶۴)، (همان، ۱۳۶۰، ص ۳۷) و انسان همراه و همساز با کلّ جهان با استمداد از قدرت عقل و اختیار و با تکرار صفات و عادات اثری در نفس خود می‌گذارد و حالتی قلبی پیدا می‌شود که مدت زمانی باقی می‌ماند این آثار در نفس از حال به ملکه تبدیل می‌شوند. آدمی شاکله وجودی خود را به صورت ملکات راسخه ی حسنه یا سیئه می‌سازد و هر ملکه‌ای به صورت جوهر نوعیه برای نفس ظهور می‌یابد که عین شئوون و اطوار وجودی ذات نفس هستند؛ این شئون دارای حیات و شعور همچون خود نفس هستند و بهشت و جهنم متناسب با آن را ایجاد می‌کنند (همان، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۳۰).

۸. تجلی شاکله حق تعالی در کتاب تدوین

مُشَاكَلَتِ شَاكِلَةِ زَيْبَايِ خَدَاوَنْدِ بَا كَلَامِ زَيْبَايِ خَوْذِ رَا مِي تَوَانِ اَز تَجَلِّي صِفَاتِ وَ اَسْمَاءِ دَر كِتَابِ خَوْذِ پِي بَرْدِ. «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي» (الزمر/۲۳)، (صدرا، ۱۳۶۳، ص ۶۹۹). تجلی زیبای حق در کلام خود برطبق تجلی در نظام وجود است، لذا مراتب وجود سعی و اطلاقی قرآن برطبق درجات وجود است (آشتیانی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۴). از نکات بسیار مهم در موضوع آیه شاکله مناسبت تام بین عوالم تکوین آفاقی و انفسی و کتاب تدوینی می‌باشد (ملاصدرا، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹) که شاکله هر عالمی زیبایی و حُسن خاصی را به منصفه ظهور

می‌گذارد و هر انسانی با قداست ذاتیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (الواقعه/۷۹) و طهارت اکتسابی به حسب اتساع وجودی توفیق درک و فهم این زیبایی را به دست می‌آورد (همان، ۱۳۶۳ش، ب، ص ۵۹).

۹. تأثیر شاکله جمیل در چهره حقیقی انسان در محشر

برای فهم زیباشناختی آیات معاد ناگزیر هستیم که اصول صدرایی را بکار ببریم؛ بدون این مبانی فهم تفسیر زیبایی‌شناختی میسر نمی‌باشد. ملاصدرا در تفسیر آیات معاد از مباحث نفس‌شناسی بسیار بهره برده و حتی می‌توان ادعا نمود بدون نفس‌شناسی صدرایی نمی‌توان به معادشناسی و سپس تفسیر زیبایی‌شناختی شاکله برزخی و اخروی صدرایی رسید. یکی از این اصول اصل «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» نفس انسان است که در تبیین عدالت جزایی بحث معاد تأثیر بسزایی دارد. از مهم‌ترین دلایل عدالت جزایی تجسم اعمال در برزخ و قیامت است. ملاصدرا آیه شاکله را مویدی بر تجسم اعمال می‌داند (همان، ۱۹۸۱م، ج ۹، ص ۲۲۷) در آثار وی تجسم اعمال با تعبیرات دیگری آمده است از جمله: تجسم نیات، تجسم نفوس، تشخیص نیات (همان، ۱۳۶۳ ب، ص ۶۳۳) «تجسیم الأخلاق و تکوین النیات» (همان، ص ۶۴۸) تجسم به معنای تقرر و تحقق نتیجه اعمال در جوهر نفس است. نتیجه اعمال عین شئون و اطوار وجودی ذات نفس هستند. تجسم هم در اعمال ظاهری است هم در امور غیر ظاهری مثل اعتقادات، نیات، افکار است (همان، ۱۹۸۱م، ج ۹، ص ۲۸۹). ملاصدرا آیات بسیاری را در آثار خود جهت استشهاد بر تجسم نیات و مشاکلت و مسانخت نیات با شاکله وجودی انسان می‌آورد (همان، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۸).

ملاصدرا با رد نظریه قدم نفس و حدوث روحانی آن، دیدگاه جدیدی در نحوه پیدایش نفس بر می‌گزیند که به اصل «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» بودن نفس معروف است. او بر همین مبنا نفس را جوهری سیال می‌داند که از آغاز جسمانیت همواره در جنبش و تحرک ذاتی است. ملاصدرا بر مبنای حدوث جسمانی نفس و حرکت جوهری آن، رابطه نفس و ملکات را رابطه اتحادی دانسته و بر همین مبنا انسان را حقیقتی ذومراتب می‌داند و در نتیجه از این طریق، تأثیر و تأثر متقابل نفس و ملکات را تبیین می‌کند. وی اثرات وجودی اعمال بر نفس را حقیقت نامۀ عمل معرفی می‌کند که بر روح و قلب انسان حک می‌شود. به عبارت دیگر شاکله اخروی همان چیزی است که بر قلب و روح اثر می‌کند و به منزله نقوش و مکتوبات بر صحائف است (صدرا، ۱۹۸۱م، ج ۹، ص ۲۹۱). نشر کتب در روز قیامت به معنای ظهور و بروز حقایق اعمال و رفتار این شاکله است «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ» (الانبیاء/۱۰۴)، (همان، ۱۳۶۰ش، ص ۱۴۷) «وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» (الانشقاق/۵)، (همان، ۱۳۶۳ش، ب، ص ۴۳۵). ملاصدرا بر اساس حرکت جوهری، امکان سیر نفس در نشأت ثلاثه و مجرد برزخی خیال و تناظر بین مراتب عالم و مراتب نفس، اثبات نمود که در رستاخیز صورت انسان محشور می‌شود که شاکله اصلی انسان است (همان، ۱۳۶۰ش، ص ۲۲۳).

بر اساس اصل عاقل و معقول، نفس با علوم و ملکات خود اتحاد دارد (همان، ۱۹۸۱م، ج ۳، ص ۳۱۳). شاکله دنیوی انسان به سبب اتحاد وجودی با ملکات و حسنات علمی و عملی راسخه و کمالات ملکوتی و صفات جمالیه وجودی، اشتداد جمالی و اتحاد ذاتی می‌یابد (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۷، ص ۴۴۱). بدین ترتیب، هر چه نفس

انسان معقولات طیبه و مُدرکات حسنه بیشتری کسب کند، شاکله زیبای دنیوی، وسعت وجودی بیشتری می‌یابد و حیات طیبه در مراتب طولی برزخ و آخرت به نحو اشتدادی جریان وسیلان دارد (همان، ۱۳۵۴ش، ص ۳۲۵). «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (النحل/۹۷). ملاصدرا جنات، انهار و طیور و سایر اوصاف در بهشت را نتیجه اعتقادات، نظرات، اخلاق و ملکات حسنه در نفوس می‌داند، «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا» (آل عمران/۳۰)، (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۱۸۷). به عبارت دیگر شاکله دنیوی با انجام حسنات بر اثر حرکت جوهری به مرتبه برتر و مناسب با عوالم بعد از مرگ مهیا می‌شود. ملاصدرا معتقد است در عالم آخرت همه نفوس چه مُحسن یا مُسئ با نفس خود صُوری می‌آفرینند که متناسب و متشاکل با ملکات و صفات راسخه جمیله یا ردیله می‌باشد (همان، ۱۹۸۱م، ج ۹، ص ۲۲۷). همین نفوس از طریق همین ملکات ناشی از اعمال و صُور کسب شده در دنیا، به صورت سازی بهشت و سعادت یا جهنم و شقاوت مبادرت می‌کند «وَ حُورٌ عِیْنٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ، جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الواقعه/۲۴ تا ۲۲)، (همان، ۱۳۵۴، ص ۳۹۴). شاکله اخروی، معلول صورت های نفسانی هستند که به وسیله قوه ی خیال خلق می‌شوند (همان، ۱۹۸۱م، ج ۹، ص ۳۸۲). شاکله برزخی و اخروی انسان محصول تکرار اعمال، افعال، ملکات و اخلاق حسنه یا سیئه است که بر باطن انسان غالب می‌شود و در آخرت با تصور نفس آثار تکوینی ملکات و اعتقادات به صورت پاداش و کیفر نمایان می‌شود. بنابر این شاکله انسان در این دنیا با همین اعضا و جوارح دنیوی که نور حس و حیات ذاتاً در آن ساری است شکل گرفته است (همان، ص ۹۹). شاکله دنیوی مقدمه ای برای نقوش بر نفوس است که از جمله آن کتابت ایمان بر قلب است. «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» (المجادله/۲۲)، (همان، ص ۲۹۱). ملاصدرا در جایی دیگر این نقوش را به آثار رحمت الهی تفسیر می‌کند «فَأَنْظِرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ» (الروم/۵۰)، (صدر، ۱۳۶۶ش، ج ۷، ص ۴۴۱). نقش ایمان بر قلوب همان سطوع نور جمال بر نفس است که به دلیل تساوق نور و ایمان (همان، ج ۲، ص ۱۷۷) و مساوقت نور و حُسن، نقش ایمان همان زیبایی و حُسن بر قلوب است (همان، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۲۹۸). «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ» (المائدة/۱۵)، (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۳، ص ۲۱۴) «وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» (الانفال/۲)، (همان، ج ۴، ص ۳۲۲).

در حکمت متعالیه زیبایی همان حق و حقیقت است و کارکرد حکمت، کشف حقیقت یا همان زیبایی است در این حکمت هم بر زیبایی‌های انسان تأکید شده هم بر هنرمندی و زیبایی‌آفرینی او، زیبایی‌آفرینی هنرمند از روحی خدایی که به طور جبلی وارث برخی صفات حق تعالی است، سرچشمه می‌گیرد (هاشم نژاد، ۱۳۹۰). هنرمند زیبایی‌آفرین از راه حکمت با تصفیه و تصقیل لوح قلب در اندیشه، گفتار، رفتار و اخلاق و تمام جنبه‌های زندگی «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الانعام/۱۶۲) زمینه ظهور اسمای حسنی را مهیا می‌کند (صدر، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۴۲۵ تا ۴۲۳).

بر اساس تقسیم ثنایی که ملاصدرا از عالم ارائه داده شاکله انسان دارای دو ساحت مُلکی و ملکوتی است و هر عملی که انسان انجام می‌دهد ملکوت آن عمل در عالم دیگر قابل مشاهده است. وی شاکله انسان را بر اساس دو ساحت مادی و ملکوتی مورد مذاقه قرار می‌دهد و هر کدام از نشأت را به صورت مفصل بیان می‌کند. وی بر اساس حرکت جوهری معتقد است انسان تا زمان مرگ پیوسته در حال تحوّل و انتقال نفس و بدن است هر آنی

از منزلی به منزل دیگر و از حالی به حال دیگر صفتی از صفات را به نحو لُبس بعد از لُبس به حسب جوهره وجودی در خود ایجاد می‌کند؛ در تبدل و تطوّر «و قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً» (نوح/۱۴) از نطفه به علقه و سپس مضغه و جنین تا تولد و سایر مراحل زندگی از دوران بچگی تا دوران بزرگسالی که به بلوغ اشد برسد صفاتی را به دست می‌آورد. بعد از آن در هر مرحله‌ای از عمر آدمی از یک‌طرف جنبه غیبی و باطنی وجود انسان تقویت و از طرف دیگر جنبه ی مادی و ظاهری انسان به سستی می‌انجامد (نَنَّكْسَهُ فِي الْخُلُقِ)، (یس/۶۸) و مرحله کهلی و شیخی فرا می‌رسد (صدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۱۶۹). وی در تفسیر آیه ۱۴ سوره نوح اسفار اربعه را حرکت تدریجی درونی شاکله انسان بر مبنای حرکت جوهری می‌داند و معتقد است شاکله انسان با اطوار مختلف در سیروسلوک از حالت بالقوه به حالت بالفعل است (همان، ص ۱۲۰). پس از مرگ بر اساس قاعده «کل شیء یرجع إلی أصله» (صدرا، ۱۳۶۳ ب، ص ۴۰۹) هر یک از نفس و بدن به همان موطن که سفر خود را آغاز کرده‌اند برمی‌گردند. جایگاه نفس همان عالم آخرت است و مرجع بدن انسان همان خاک است که بدن در آن فانی و مضمحل می‌شود. در این بازگشت شاکله نفس صالح با کسب صفات جمیل در زمره ملائکه محشور می‌شود. شاکله محسن و مسیء در ابتدا یکسان و در آخر مختلف می‌شود «یکون المحسن و المسیء متفقه فی البدایة، و مختلفة فی النهایة» (همان، ص ۷۴۶). شاکله محسن هم ادبار دارد و هم اقبال؛ در ابتدا شاکله محسن که همان فطرت توحیدی است «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (الروم/۳۰)، (همان، ص ۲۴۲) اقبال به دنیا پیدا می‌کند ولی به کمک عقل به موطن اصلی خود بازمی‌گردد ولی انسان بدکار فقط اقبال به دنیا دارد و عزم و اراده‌ای برای ادبار ندارد اخلاص در زمین غُربت می‌کند و در هاویه ظلمت و فُرقت می‌افتد (همان، ص ۷۴۶). شاکله نفس شقی با اکتساب صفات قبیح که از باب رحمت الهی طرد شده آرام و قرار ندارد تا به جایگاه اصلی خود بازگردد (صدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۱۷۰). ملاصدرا تأکید می‌کند که شاکله اولیه انسان صاف و زلال مثل آب باران می‌باشد که با وارد شدن در اودییه های جهان مادی «فَسَأَلَتْ أُوْدِيَةَ بِقَدَرِهَا» (الرعد/۱۷) دچار کدورت می‌شود، البته برخی این زلالی را حفظ نموده و از شاکله خود همچو سرزمین پاکیزه «وَأَلْبَدُ الطَّيِّبُ» (الاعراف/۵۸) محافظت نموده؛ به تقویت آن می‌پردازند (همان، ج ۲، ص ۲۶۶). ادراکات، اعمال و اخلاق، ملکات نفسانی را می‌سازد؛ این ملکات راسخه شاکله را می‌سازد و شاکله هم در عالم آخرت بهشت و جهنم را به وجود می‌آورد (همان، ۱۹۸۱ م، ج ۹، ص ۲۲۷). ایشان یکی از پدیده های روز قیامت را انکشاف تجلی جمال خداوند می‌داند که اهل معاصی در این نشئه دنیا به علت استغراق در شهوات از آن محروم بوده اند (همان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶). هر صفتی را که بر انسان غالب شده، به صورت جزا درمی‌آید و وصف آنها را جزای آنها قرار می‌دهد «سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ» (الانعام/۱۳۹) جزای آنان همان وصف آنان است (همان، ۱۳۶۶ش، ج ۶، ص ۲۴۹). وی معتقد است که واجب الوجود صفات عدیده ای دارد و آنچه مقابل این صفات است مانند فقر در مقابل غنی «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ»، (محمد/۳۸) و امکان در مقابل وجوب (همان، ج ۲، ص ۸۲) رشح و فیض جمال و اثری از صفات متعالیه اوست (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵، ص ۶۵۲) که از او شروع شده و به سوی او بازگشت می‌کند (لاهیجی، ۱۳۸۶ش، ص ۵۹۶)، (صدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۳۴۷).

نتیجه

بنا بر اصل اصالت وجود زیبایی‌های اکتسابی در شاکله ثانویه انسان با تکرار ادراکات و اعمال انسان شکل می‌گیرد و منبع کل هر شرف و خیر و زیبایی می‌شود و در شاکله وجودی کلمات تامات الهی یا اهل بیت (علیهم‌السلام) به بالاترین مرتبه زیبایی بشری می‌رسد.

ملاصدرا با بیان مساوقت وجود و کمالات وجودی تمامی احکام وجود را با حسن و زیبایی تطبیق نموده و بر اساس اصل سنخیت وجود، رابطه بین حق تعالی و مخلوقاتش را مُشاکلت و مُساخت با حُسن دانسته و در تفسیر آیه شاکله بیان کرده که، جهان هستی با تمام مراتب نازله اش عمل خدا و فعل و صنع زیبای اوست.

ملاصدرا در تفسیر آیه شاکله از آیات متناظری از جمله آیات «رحمت»، «علم» تفسیری زیبایی‌شناختی ارائه کرده و در مُشاکلت وجودی حُسن و زیبایی بین حق تعالی و مخلوقات در آثار فلسفی و تفسیری خود کراراً این آیات را به‌عنوان استشهاد ذکر می‌کند.

ملاصدرا با صورت‌بندی فلسفی تشکیک وجود بر عرفان و برهانی کردن آن، در تفسیر آیه شاکله، شاکله هر موجودی را شأنی از شئون، مظهری از مظاهر و منزلی از منازل دانسته که حکایت از شاکله ی حُسن و زیبایی دوشان، مظهر و مُنزل دارد.

در بحث عدالت جزایی حق تعالی بالاترین نوع عدالت تجسم نیت یا اعمال است که ملاصدرا با بیان سنخیت مراتب طولی شاکله حُسن و زیبایی دنیوی، برزخی و اخروی به صورتی مستدل و برهانی مطابق آیات قرآنی و شهود عرفانی به تبیین آن پرداخته است.

ملاصدرا بر اساس مبانی حکمت متعالیه حرکت جوهری نفس را از مرحله شاکله ی قابلیت حُسن و زیبایی حدوثی نفس تا مرحله بقاء روحانی نفس و فاعلیت و خلق حُسن و زیبایی صور در بهشت را تبیین عقلانی نمود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن جریر الطبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق)، *الجامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۲. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (بی‌تا)، *غریب القرآن لابن قتیبه*، بی‌جا: بی‌نا.
۳. ابن سینا. (۱۴۰۰ق)، *رسائل*، انتشارات بیدار: قم.
۴. ابن سینا. (۱۴۰۴ق)، *الشفاء*، کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) قم.
۵. افراسیاب پور، علی‌اکبر. (۱۳۸۷ش)، «زیبایی از دیدگاه ملاصدرا»، فصلنامه خردنامه.
۶. اکبری، رضا. (۱۳۹۲ش)، «بازسازی دیدگاه ملاصدرا درباره زیبایی و هنر آفرینی»، فلسفه و کلام اسلامی سال چهل و ششم، شماره ۲، صص ۴۰-۲۱.
۷. امامی جمعه، سید مهدی. (۱۳۹۷ش)، «فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا»، فرهنگستان هنر، چاپ سوم.

۸. امامی جمعه، سید مهدی؛ احمدی، جمال. (۱۳۹۶ش)، «ملاک‌های زیبایی‌شناسی در فرم و محتوا از نگاه ملاصدرا»؛ مجله حکمت صدرايي، سال ۶، شماره ۱، صص ۲۵-۴۰.
۹. آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۸۱ش)، شرح بر زاد المسافر صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، قم: بوستان کتاب، شماره ۵۱.
۱۰. بابایی، علی. (۱۳۹۴ش)، زیبایی‌شناسی در مکتب صدرا، پریچهره حکمت، انتشارات مولی، چاپ اول.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ش)، رحيق مختوم شرح حکمت متعالیه، تحقیق حمید پارسا، چاپ سوم، اسراء: قم.
۱۲. حسینی اردکانی، احمد بن محمد. (۱۳۷۵ش)، مرآت الاکوان تحریر شرح هدایه ملاصدرا، شرکت انتشارات علمی فرهنگی چاپ اول.
۱۳. حکمت نصرالله. (۱۳۹۶ش)، شاکله شناسی انتشارات الهام، چاپ اول.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه.
۱۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله. (۱۴۱۹ق)، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف.
۱۶. سروریان حمیدرضا؛ فرضی، علی. (۱۳۹۶ش)، «انتظام هستی بر اساس حبّ و قهر در نزد سهروردی و ملاصدرا»، مجله پژوهش‌نامه عرفان؛ شماره ۱۷.
۱۷. سورآبادی، ابوبکر، عتیق بن محمد. (۱۳۸۰ش)، تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ نشر نو.
۱۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۰ق)، مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین، تهران: نشر حکمت.
۱۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (بی‌تا)، الحاقیه علی إلهیات الشفاء (التعلیقات لصدر المتألهین علی الشفاء)، جلد ۱، قم: بیدار، چاپ اول.
۲۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (بی‌تا)، ایفاظ النایمین، جلد ۱، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه، چاپ اول.
۲۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۰۲ش)، مجموعه از رسائل التسعه، قم: مکتب المصطفوی.
۲۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۵۴ش)، المبدأ و المعاد، سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
۲۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰ش)، اسرار الآیات، تصحیح محمد خواجه‌جوی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۲ش)، منطق نوین مشتمل بر اللغات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، تهران: آگاه.
۲۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش، ب)، مفاتیح‌الغیب، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش، الف)، المشاعر، تهران: طهوری، چاپ دوم.

۲۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، جلد ۷. تحقیق محمد خواجهوی. قم: بیدار.
۲۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۱ش)، *عرفان و عارف نمایان*، ناشر: *الزهرا* (س)، تهران، ایران.
۲۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۸ش)، *المظاهر الإلهية في أسرار العلوم الکاملية*، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۳۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۱ش)، *کسر اصنام الجاهلية*، چاپ اول، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۳۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۲ش)، *الشواهد الربوبية*، تصحیح، جلال الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب.
۳۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۳ش)، *شرح اصول الکافی*، تصحیح محمد خواجهوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۷ش)، *سه رسائل فلسفی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق)، *شرح الهدایة الاثیریة*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱م)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت: دار احیاء التراث.
۳۶. طباطبایی محمدحسین. (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، موسوی همدانی سید محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه.
۳۷. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۶ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی و تحقیق.
۳۹. فخرالدین رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*. الطبعة الثالثة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ق)، *محاسن التأویل*، تحقیق محمد باسل عیون السود، ج ۶، بیروت.
۴۱. گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق)، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی المطبوعات.
۴۲. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۳. موسوی اردبیلی، عبدالغنی. (۱۳۸۱ش)، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۴. هاشم نژاد حسین، نعمتی سیدجواد. (۱۳۹۰ش)، *زیبایی شناسی در فلسفه صدرالمتألهین*، تهران: نشریه فلسفه دانشگاه، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۳۷.

References

The Holy Qur'an.

1. Ibn Jarīr al-Tabarī, Muhammad bin Jarīr (1412 AH), *Al-Jāmi' al-Bayan 'an Ta'wīl Āy al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Mar'afa.
2. Ibn Qutaiba, Abdullah bin Muslim (nd), *Gharīb Al-Qur'an*, Np.
3. Avicenna (1400 AH), *Rasā'il*, Qom: Bidar Publications.
4. Avicenna (1404 AH), *Al-Shifā'*, Qom: The library of Ayatollah al-'Uzma Mar'ashī Najafi (r.a..
5. Afrasiabpour, Aliakbar (2008), "Beauty from Mullā Sadrā's Point of View," *Kheradnameh Quarterly* 3, No. 51.
6. Akbari, Reza (2012), "Reconstruction of Mullā Sadrā's view on beauty and art creation," *Islamic Philosophy and Theology*, 46(2), Fall and Winter 2012: pp. 21-40.
7. Emami Juma, Seyyed Mahdi Ahmadi, Jamal (2016), "Esthetic criteria in form and content from Mullā Sadrā's point of view," *Hekmat Sadraei*, Fall and Winter, 6(1): pp. 25-40.
8. Emami Juma, Seyyed Mehdi (2017), "Philosophy of Art in Mullah Sadrā's Love Knowledge," *Farhangestan-e Honar*, third edition.
9. Ashtiani, Jalal al-Din (2002), *An Explanation on Zad al-Musāfir* by Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim Shīrazī, Qom: Boostan-e Ketab.
10. Babaei, Ali (2014), *Aesthetics in Sadrā School*, Parichereh Hekmat, Mollā Publications.
11. Javadi Amoli, Abdullah (2008), *Rahīq Makhtoum* (explanation of Mutaaliyeh wisdom," [research: Hamid Parsa,] third edition, Qom: Esra Publishing House.
12. Hosseini Ardakani, Ahmed bin Mohammad (1996), *Mi'āt al-Akwān*, Scientific and Cultural Publishing Company, first edition.
13. Hekmat, Nasrallah (2016), *Elham Publishing House*, 1st Edition.
14. Ragheb Esfahani (1412 AH), Hossein bin Muhammad, *Al-Mufardāt fī Gharīb al-Qur'an*, Dar al-'Ilm, al-Dar al-Shāmīya.
15. Sabzewārī Najafī, Muhammad bin Habibullah (1419 AH), *Irshād al-Adhhān 'ilā Tafsīr al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Ta'aruf.
16. Sarvarian, Hamidreza, Farzi, Ali (2016), "Organization of existence based on love and anger in the eyes of Suhrawardi and Mulla Sadra", *Irfan Research Journal*; Autumn and Winter, 17.
17. Sourabadi, Abubakr, Atiq bin Mohammad (2001), *Tafseer Sourābādī*, Tehran: New Publishing House.
18. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (2008), *Kasr Asnām al-Jāhilīyah*, Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation, first edition.

19. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (2003) *al-Shawāhed al-Rubūbiyah* [edited by Jalal al-Din Āshtīānī,] Qom: Boostan Ketab.
20. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (2008), *Three Philosophical Treatises*, Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary.
21. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1983), *Modern Logic*, Tehran: Agah.
22. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1984 A), *Al-Mashā'ir*, Tehran: Tahoori, second edition.
23. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1420 AH), *Collection of Philosophical Treatises of Sadr al-Muta'allihin*, Tehran: Hekmat.
24. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1422 AH), *Sharh al-Hidāyat al-Athīriya*, Beirut: Al-Ta'rīkh Al-'Arabī Institute.
25. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (nd), *īqāz al-Nā'imīn*, 1 volume, Tehran: Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran, first edition.
26. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1302 AH), *A collection of Al-Tisa'a Treaties*, Qom: Al-Mustafawi Library.
27. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1975), *Al-Mabda' wa Al-Ma'ād*, Seyed Jalal al-Din Ashtiani, Tehran: Hekmat and Philosophy Association.
28. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1981), *Asrār al-Āyāt* [Edited by Mohammad Khājawi,] Tehran: Hekmat and Philosophy Association.
29. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1984 B), *Mafātīh al-Ghaib* [edited by Mohammad Khajawi,] Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
30. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1987), *Tafsīr al-Qur'an al-Karim*. 7 volumes [research: Mohammad Khajawi,] Qom: Bidar Publications.
31. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1992), *Mysticism and Fake Mystic*, Tehran: Al-Zahra (S).
32. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (2009), *Al-Mazāhir Elāhiya fī Asrār 'Uloom al-Kamāliya*, Tehran: Sadra Islamic Hekmat Foundation.
33. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim, (1983) *Sharh Usul al-Kafi*, edited by Mohammad Khajawi, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
34. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (1981), *Al-Hekmah al-Mut'alīya fī al-Asfār al-Aqlīya al-'Arba'a*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabi.
35. Sadr al-Din Shīrazī, Muhammad bin Ibrahim (nd), *Al-Hāqīyah 'alā Ilāhiyāt al-Shifā* (At-Ta'līqāt li Sadr al-Muta'allihīn 'Ala al-Shifā), 1 volume, Qom: Bidar, first edition.
36. *Tabātabā'i*, Mohammad Hossein (1995), *Translation of Tafsīr al-Mīzān*, Mousavi Hamdani, Seyyed Mohammad Baqer, Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers Society.
37. *Tabātabā'i*, Mohammad Hossein (1417 AH), *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an*, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Society.

38. Tūsī, Muhammad bin Hassan (1426 AH), *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'an* [with an introduction by Sheikh Agha Buzorg Tehrani.]
39. Fakhr al-Din Rāzī, Muhammad bin Omar (1420 AH), *Mafātīh al-Ghayb*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabī, third edition.
40. Ghasemi, Mohammad Jamal al-Din (1418 AH), *Mahāsin al-Ta'wīl* [research by Mohammad Bāssel 'Uyūn al-Sawād, vol. 6, Beirut.
41. Kobra, Reza (2004), "The Relationship between Existentialism and Aesthetics in Mulla Sadrā's Philosophy," *Philosophical-Theological Research Quarterly*, Fall, 7(1): pp. 88-102.
42. Gonabadi, Sultan Muhammad (1408 AH), *Tafsīr Bayān al-Sa'āda fī Maqāmāt al-'Ibādah*, Vol. 2, Beirut: Al-'A'lamī Press Institute.
43. Mostafawī, Hassan (1981), *Al-Tahqīa fī Kalemāt al-Qur'an*, Vol. 3, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
44. Mousavi Ardabīlī, Abdul Ghani (2011), *Imam Khomeini's Philosophical Lectures*, Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute.
45. Hashem-Nejad, Hossein; Nemati, Seyyed Javad (2010), "Aesthetics in the philosophy of Sadr al-Mutalahin", *Journal of Philosophy of Tehran University*, Fall and Winter, 39(2): 137-161.